

بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر

دکتر رمضان جهانیان*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۵ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۲/۱۱)

چکیده

یکی از ارکان اساسی توسعه یک کشور، بخش آموزش و پرورش آن است، این بخش از آن جهت دارای اهمیت فوق العاده است که هم ابزاری مهم برای توسعه بوده و هم یکی از اهداف توسعه محسوب می‌شود، در کشورهای مختلف، استقرار و فعالیت نظامهای آموزشی به یک جریان عادی و مستند تبدیل شده است و هر ساله بخش عظیمی از منابع عادی در قالب بودجه های دولتی و هزینه های شخصی، در این راه صرف می شود. به لحاظ همین اهمیت آموزش و پرورش که روزگاری یک مقوله مهجور در سیاست‌گذاری داخلی شناخته می شد، به تدریج در صحنه ملی و بین المللی به بحث اصلی سیاست‌گذاری تبدیل شده است. با پذیرش رو به افزایش آموزش و پرورش به عنوان عامل راهبردی در بهبود توسعه ملی، موضوع بررسی و تحلیل سیاست های آموزش و پرورش کشور از اهمیت بسیاری برخوردار می باشد، امری که این مقاله تلاش دارد در حوزه سیاست‌گذاری عمومی به آن بپردازد.

کلید واژگان

سیاست‌گذاری عمومی، عرصه عمومی، برنامه‌ریزی، توسعه، دولت، آموزش و پرورش.

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه علوم تربیتی، کرج، ایران.

مقدمه

در این مقاله به یکی از مسائل مربوط به سیاست‌گذاری عمومی توسط دولت‌ها که نقش عمده‌ای در توسعه کشورها دارد پرداخته می‌شود. توسعه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نیازمند برنامه‌ریزی برای آموزش افراد در مراحل مقدماتی، میانی و تکمیلی است. اما آنچه در برنامه‌های توسعه سازمان ملل بیش از پیش بر آن تأکید می‌شود و ملاکی برای تعیین جایگاه توسعه انسانی در عرصه بین‌المللی به شمار می‌رود، میزان پیشرفت سواد آموزی است که نیازمند سیاست‌گذاری و صرف بودجه می‌باشد. به هر مقدار که یک کشور در این زمینه بهتر عمل کند به همان میزان، امکان موفقیت بیشتری نیز در عرصه توسعه انسانی و لاجرم توسعه عمومی خود خواهد داشت. در ایران سیاست‌گذاری عمومی برای سواد آموزی در مراحل ابتدای و میانی به وسیله وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شود. لذا این مقاله پس از بررسی مختصر تاریخچه نهادهای آموزشی در ایران، به سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در دوره معاصر می‌پردازد، تا نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت را در این عرصه مشخص نماید و با ارائه راهکارهایی به اصلاح آنها یاری رساند.

۱. مبانی نظری: فرایند سیاست‌گذاری و نقش آن در دستیابی به هدف‌ها

سیاست‌گذاری آموزشی از جنبه‌های متعدد مورد مطالعه قرار گرفته است. میچل^۱ (۱۹۸۸) دو دسته تحقیق مربوط به فهم شکل سیاست در مدارس دولتی ثبت کرده است. یکی از این دو دسته تحقیق بر توزیع قدرت در بین سهامداران متمرکز است و حاصل آن تعامل در میان گروه‌های قدرتمند برای ارائه فرایند سیاست‌گذاری است (یعنی نشان می‌دهد که انواع تصمیمات چه موقع و چگونه اتخاذ می‌شود) دسته دوم بر محتوای سیاست‌های آموزشی دولت استوار است و عواقب اقدامات دولت را بر عملکرد تغییرات مراکز تحصیلی (یعنی آنچه انجام می‌شود) ارزیابی می‌کند. (۱)

فرایند سیاست‌گذاری از دیدگاه پورتنی^۲ (۱۹۸۶) شامل پنج گام ۱- تعیین مساله؛ ۲- تعیین سیاست؛ ۳- اتخاذ سیاست؛ ۴- اجرای سیاست؛ و ۵- ارزیابی سیاست، می‌باشد که با گذشت زمان ممکن است

^۱ - Mitchel

^۲ - Portney

هر گام از گامها یا عوامل قبل یا بعد از خود تاثیر بپذیرد. حدوث این گامها الزامات متوالی نیست، از این رو مراحل پنجگانه را می توان حلقه های یک سلسله فعالیت دانست که همه دارای قوت و قدرت سیاسی است و در محدوده زمان سیر می کند. همه این حلقه ها با یکدیگر تاثیر و تاثر دارند. تعیین مساله می توانند در هر لحظه به طور همزمان در یک نقطه مفروض در کنار هم قرار گیرند، یا هم می توان آنها را به صورت زیر مرتب کرد. (۲)

راهبردهای توسعه از طریق خط مشی های توسعه به اجرا در می آیند. سیاستها و خط مشی ها ابزارهای کنترلی هستند که به گونه ای مشخص و عملی، راه حصول به هدفها را تعیین می کنند سیاستهای توسعه، ابزارهای مداخله دولت را در خدمت توسعه اقتصادی بکار می گیرند. به گفته تین برگن سیاست توسعه چهار نقش اساسی در دستیابی به هدفهای برنامه ایفا می کند:

- ۱- شرایط عمومی مطلوب را برای توسعه فراهم می آورد؛ ۲- آگاهی به اثرات بالقوه و مزایای توسعه را افزون می نماید؛ ۳- سرمایه گذاری های اساسی دولتی را بهبود می بخشد؛ و ۴- باعث تشویق کار و کسب خصوصی می شود. (۳)

۲. تاریخچه سیاست‌های آموزش و پرورش در ایران

تاسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ توسط میرزا تقی خان امیر کبیر، اولین اقدامی است که دولت خود را از نظر تامین منابع مالی و مدیریت و سیاست گذاری و برنامه ریزی آموزشی و گسترش تعلیم و تربیت در کشور مستقیماً درگیر می نماید و متعاقب آن تاسیس مدارس جدید به منظور گسترش علوم جدید و فرهنگ و ادب اروپایی در کشور ایجاد گردید. مجموعه اصلاحات و رویدادها حاصله در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، علمی، فنی، فرهنگی و سیاسی در جامعه ایران در قرن ۱۹ چنان گسترده و ژرف بود که کشور را همه جانبه برای تحقیق انقلاب مشروطیت در اوایل قرن ۲۰ مهیا نمود و در پی آن پایه های محکم و سیاست‌گذاریهای مختلفی در به رسمیت شناخته شدن امر آموزش و پرورش به عنوان یک حق طبیعی شهروندان از یک سو، وظیفه دولت در ایجاد تمهیدات لازم برای تحقق این امر از سوی دیگر بنیان گذاری می شود. از دیگر سیاست های مشخص شده در قانون اساسی مشروطه،

^۱ - Tinbergen

◇ بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر —————

تعلیمات اجباری ابتدایی برای عموم مردم و ضرورت توجه به آموزش بزرگسالان (تعلیمات اکابر) می‌باشد. انقلاب مشروطیت نهاد سیاسی و دولت را موظف می‌کند که در مجموعه وظایف و عملکردهای خود به آموزش و پرورش مردم و گسترش علوم و فنون و فرهنگ، جای ویژه‌ای اختصاص دهد و قانون شورای عالی معارف در سال ۱۳۰۰ برای ترویج خط و زبان فارسی و عربی، تعلیمات اجباری و امور مربوط به مدارس و معلمان به تصویب مجلس رسید. (۴) جهت مطالعه نظامند سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش کشور با توجه به در نظر گرفتن زمان وقوع سیاست‌گذاری از یک طرف و تجلی سیاست‌ها در برنامه‌های توسعه آموزشی کشور از طرف دیگر در ادامه به چگونگی سیاست‌گذاری و برنامه ریزی آموزش و پرورش ایران در قالب برنامه‌های توسعه کشور می‌پردازیم.

۳. مروری بر سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر

الف. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در طی برنامه اول عمرانی ایران (۳۳-۱۳۲۷)

در سال ۱۳۲۷ که اولین برنامه ریزی عمران ملی در ایران تدوین و اجرا گردید، سیاست‌گذاری و برنامه ریزی آموزشی بخشی از برنامه ریزی عمران و توسعه کل کشور به حساب آمده است برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش در چهار چوب برنامه‌های هفت سال اول شامل چند طرح بود که نخستین گزارش فنی در زمینه سیاست‌گذاری و توسعه آموزش و پرورش ایران، گزارش مشاورین ماورای بحار در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی است (۵) این گزارش که به سفارش دولت ایران در اجرای مطالعات تفصیلی برنامه هفت ساله اول عمران به منظور زیر صورت گرفته است:

۱- تعیین هدف‌های آرمانی آموزش و پرورش با توجه به هدف‌های بلند مدت توسعه و رفاه کشور؛ ۲- توصیه تعدادی طرح‌های مشخص که مستقیماً با هدف‌های برنامه هفت ساله اول مرتبط باشد ولی در عین حال به تحقق هدف‌های آرمانی نیز یاری می‌رسانند؛ ۳- پیشنهاد مجموعه‌ای از اولویت‌ها و سیاست‌ها که برای اجرای بهتر طرح‌های پیشنهادی مفید می‌باشند تهیه شده است

همچنین در همین دوران شورای عالی فرهنگ با همکاری صاحب نظران تعلیم و تربیت مهم‌ترین

هدف‌ها و سیاست‌های آموزش و پرورش را به شرح زیر تعیین نمودند:

۱) هدف‌های آموزش و پرورش ابتدایی

_____ بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر ◇

۱- پرورش کودک؛ ۲- خدمت به جامعه، اجتماع محلی، خانواده، مدرسه و همکاری با آنها؛ ۳- خدمت به ملت و مملکت؛ ۴- خدمت به دنیا و بشریت. (۶)

۲) هدف‌های آموزش متوسطه

۱- هدف پرورشی، پرورش جسم و روان؛ ۲- هدف آموزشی، آموزش در ابعاد گوناگون؛ ۳- هدف‌های اجتماعی، اخلاقی و دینی؛ ۴- هدف‌های حرفه‌ای و هنری. (۷)

ب. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در طی برنامه دوم عمران ایران (۴۱-۱۳۳۴)

در برنامه دوم عمرانی ایران ضمن توجه به سیاست‌گذاری‌های انجام شده در برنامه اول، شورای عالی آموزش و پرورش اهداف دوره اول و دوم متوسطه را به شرح زیر تصویب نمود. (۸)

۱) هدف دوره اول

کشف و پرورش استعدادها و هدایت دانش آموزان در انتخاب رشته تحصیلی با مشاغل که با احتیاجات کشور و ذوق و استعداد آنان متناسب باشد.

۲) هدف دوره دوم

تکمیل اطلاعات عمومی و آماده کردن دانش آموزان برای ورود به دانشگاه یا آموختن حرف و صنایع و آشنا کردن آنان به مبادی مشاغل آزاد.

ساختار نظام آموزش و پرورش هم در این دوران به قرار زیر تقسیم شد:

۱- آموزش ابتدایی (تعلیمات عمومی) ۶ سال؛ ۲- آموزش متوسطه نظری و آموزش حرفه‌ای (دوره یا سیکل اول) ۳ سال؛ و ۳- آموزش متوسطه نظری و آموزش فنی و حرفه‌ای (دوره یا سیکل دوم) ۳ سال. (۹) همچنین سازمان برنامه با همکاری وزارت فرهنگ طرح‌هایی را برای آموزش و پرورش تنظیم نمود و اعتبارات برای اجرای آن در نظر گرفت.

پ. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در طی برنامه سوم عمران ایران (۴۶-۱۳۴۱)

در سال ۱۳۴۴ طرح مقدماتی اصلاح نظام آموزش و پرورش توسط وزارت آموزش و پرورش اعلام گردید. در برنامه یزی جدید آموزش و پرورش شش هدف عمده با عناوین کلی مورد توجه بوده است. این هدف‌های کلی در هفت بخش که در عین حال وابسته و پیوسته اند، تنظیم شده است که هر

◇ بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر —————

یک از آنها جنبه معینی از نیازهای زندگی را پاسخ می‌دهد. هدفهای هفتگانه به شرح زیر می‌باشند. سلامت تن و روان و رشد متعادل آنها، تربیت اخلاق و معنوی، تربیت هنری و فرهنگی، تربیت اجتماعی، تربیت اقتصادی، تربیت سیاسی، آموزش نظری و عملی به منظور انتقال سرمایه‌های فکری و تمدن انسان به نسلهای بعد. (۱۰)

همچنین به موازات فعالیتهای اجرای برنامه توسعه، وزارت آموزش و پرورش با همکاری دفتر منطقه ای یونسکو در آسیا و اقیانوسیه طرح بلند مدت (۲۰ ساله) شامل ۴ طرح ۵ ساله برای توسعه و تعمیم تعلیمات ابتدایی در ایران تهیه و تنظیم گردید.

این طرح که به منظور گسترش تعلیمات ابتدایی همگانی و مجانی از سوی یونسکو به کشورهای منطقه از جمله ایران پیشنهاد شده بود، از سوی دولت ایران مورد استقبال قرار گرفت و اصلاحات و تعدیل‌هایی هم در کنفرانس ۱۹۶۱ بانکوک مطرح شد. (۱۱)

ت. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در طی برنامه چهارم (۵۱-۱۳۴۶)

تا قبل از شروع برنامه چهارم عمرانی کشور سا زمان برنامه و وزارت آموزش و پرورش سیاست‌گذاری برنامه‌های آموزش و پرورش بودند اما با تصویب قانون تاسیس وزارت علوم و آموزش عالی (مصوبه ۱۳۴۶) مسئولیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در کلیه سطوح تحصیلی به عهده وزارت علوم گذاشته شد.

در طی این سالها ساختار نظام آموزشی بشکل زیر تغییر کرد:

۱- آموزش ابتدایی (پایه اول تعلیمات عمومی) ۵ سال؛ ۲- دوره راهنمایی (پایه دوم تعلیمات عمومی) ۳ سال؛ ۳- تعلیمات متوسطه نظری و آموزش حرفه‌ای و فنی ۴ سال. (۱۲)

مهمترین سیاست‌های آموزش و پرورش در این دوران به شرح زیر بودند:

۱- بهبود کیفیت و توسعه کمیت آموزش در سطح کودکان و ابتدایی؛ ۲- تشخیص استعدادهای دانش آموزان در دوره راهنمایی تحصیلی و هدایت آنها در جهت مطلوب؛ ۳- توزیع متعادل دانش آموزان دوره متوسطه در رشته‌های نظری، فنی و حرفه‌ای؛ ۴- بالا بردن نسبت سواد آموزی در بین گروه‌های ۴۵-۱۰ به میزان ۶۰ درصد؛ ۵- بهبود کیفیت آموزش عالی و بی‌نیاز کردن کشور از اعزام دانشجویان به خارج؛

و ۶- استفاده از رادیو و تلویزیون آموزشی به منظور بهبود کیفیت آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی و نیز تعلیمات سالمندان. (۱۳)

همچنین خط مشی‌ها و سیاست‌های اجرایی برنامه چهارم آموزش و پرورش به شرح زیر می‌باشد:
۱- تجدید نظر در سازمان اداری وزارت آموزش و پرورش؛ ۲- ایجاد مؤسسه خاص جهت پرورش برنامه‌ریزان و مدیران فرهنگی به منظور پرورش مدیران آینده امور آموزشی؛ ۳- تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آموزش و پرورش؛ ۴- ادغام واحدهای آموزشی به منظور استفاده از امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاه و کادر آموزشی و غیره. (۱۴)

ث. سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در طی برنامه پنجم عمران ایران (۵۶-۱۳۵۲)

سیاست‌های وضع شده در دوره چهارم توسط مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی وابسته به وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش پیگیری می‌شد.

به غیر از آنها، تعلیم کامل آموزش ابتدایی، ریشه کن ساختن بی‌سوادی در گروه‌های فعال جمعیت، توسعه سریع آموزش فنی و آموزش عالی به منظور تامین نیروی انسانی ماهر مورد نیاز جامعه از دیگر سیاست‌های مورد نظر آموزش و پرورش بوده است. نقاط قوت برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در آموزش و پرورش عبارتند از:

۱- تاکید بر اولویت توسعه آموزش و پرورش؛ ۲- توجه به جامعیت و پیوستگی داخلی برنامه‌های آموزش و پرورش؛ ۳- توجه به ملازمات اداری، اجرایی و زیربنایی آموزش و پرورش؛ ۴- توجه به مشارکت و همکاری در خدمات آموزش و پرورش؛ ۵- تمایل به برنامه ریزی بلندمدت؛ ۶- توجه به کیفیت آموزش و پرورش و نوآوری؛ و ۷- توجه به ساخت آموزش و پرورش. (۱۵)

همچنین برخی از مسائل و نارساییهای سیاست‌گذاری و برنامه ریزی آموزشی طی برنامه‌های عمرانی اول تا پنجم عبارتند از (۱۶) ناهماهنگی و گسیختگی برنامه ریزی، کمبود اطلاعات و آمار، بی‌ثباتی دولتها، وسعت احتیاجات و قلت منابع، جوانی جمعیت، بالا بودن هزینه‌های سرانه آموزش و پرورش، شهرگرایی و حلقه مقفوده ارزیابی و تحقیق در سیاست‌گذاریها و برنامه‌های آموزشی.

ج. تغییر بنیادی سیاست‌های نظام آموزش و پرورش

پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، برای اصلاح و یا تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش فعالیت‌های پراکنده و متعددی به همت مسئولان فرهنگی کشور و یا توسط فرهنگیان علاقمند و صاحب نظر به صورت خود جوش آغاز شد. تا اینکه در سال ۱۳۶۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه، پنجاه و نهمین جلسه خود به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش، شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را مرکب از چهار نفر از معاونان وزارت آموزش و پرورش و نمایندگان از کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی، شورای عالی وزارت آموزش و پرورش، سازمان برنامه و بودجه و سه نفر از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و دو تن از فرهنگیان، مامور انجام بررسی‌های لازم و ارائه طرح بنیادی نظام آموزش و پرورش کرد. حاصل بررسی‌ها به صورت طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در خرداد ۱۳۶۷ به تصویب شورای مزبور رسید و در تیر ماه ۱۳۶۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی آنرا تصویب نمود. این شورا با تشکیل ۷ کمیسیون به شرح زیر سازماندهی لازم را برای انجام وظایف محوله به وجود آورد:

- ۱- پیش دبستانی و دبستانی؛ ۲- دوره راهنمایی تحصیلی؛ ۳- دوره متوسطه فراگیر و فنی و حرفه‌ای؛
- ۴- تامین و تربیت نیروی انسانی؛ ۵- نظام اداری و تشکیلاتی؛ ۶- برنامه ریزی توسعه؛ و ۷- فعالیت‌های تربیتی.

حاصل تلاش و فعالیت‌های این کمیسیون‌ها، تدوین کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بود که مهمترین سیاست‌های نظام آموزشی در قالب اهداف کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر تدوین گردید:

۱) اهداف اعتقادی

الف) تقویت ایمان و اعتقاد به مبانی اسلامی و بسط بینش الهی بر اساس قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)، با مراعات اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی در مورد پیروان مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی؛ و ب) پرورش روحیه مبارزه با کفر و شرک و نفاق و همه مظاهر آنها. (۱۷)

۲) اهداف اخلاقی

الف) ایجاد زمینه لازم برای خود شناسی به منظور خدا شناسی؛ ب) شناخت، پرورش و هدایت

استعدادهای افراد در جهت اعتلای فرد و جامعه؛ پ) تزکیه و تهذیب نفوس و رشد فضایل و مکارم اخلاقی بر اساس ایمان به خدا و تقوای اسلامی؛ ت) پرورش روحیه تعبد آگاهانه، یاد خدا و التزام عملی به احکام و آداب اسلامی؛ ث) پرورش روحیه اعتماد به نفس، استقلال شخصیت و نفی اتکا به دیگران؛ ج) تقویت احساس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت نفس؛ چ) تعدیل عواطف؛ و ح) پرورش روحیه نظم و انضباط. (۱۸)

۳) اهداف علمی و آموزشی

الف) تقویت روحیه حقیقت‌جویی، تعقل و تفکر، مطالعه، بررسی، تعمق، تحقیق، نقادی و ابتکار در تمامی زمینه‌های اسلامی، فرهنگی، علمی و فنی؛ ب) تقویت روحیه تعلیم و تعلم، تربیت مستمر و تأمین زمینه مناسب برای آن؛ پ) شناخت اسرار جهان آفرینش و قوانین طبیعت به عنوان آیات الهی، به منظور پیشبرد دانش و معرفت و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری؛ ت) تعمیم آموزش برای تمامی افراد لازم‌التعلیم و محو بی‌سوادی؛ ث) آموختن زبان و خط فارسی به عنوان زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران و نیز آموختن زبان عربی جهت آشنایی با قرآن و معارف اسلامی و تسهیل ارتباط با سایر مسلمانان جهان؛ و ج) آموزش علوم و فنون و مهارت‌های مورد نیاز فرد و جامعه. (۱۹)

۴) اهداف فرهنگی و هنری

الف) شناخت، پرورش و هدایت ذوق و استعداد‌های هنری و زیبایی‌شناسی؛ ب) شناساندن زیبایی‌های جهان آفرینش، به عنوان مظاهر جمال و کمال الهی؛ پ) شناساندن هنر اسلامی و هنرهای ملی و جهانی سالم و پرورش روحیه حفظ میراث هنری و تاریخی؛ ت) شناخت و شناساندن ادب فارسی به عنوان جلوه‌گاه ذوق هنر و مظهر وحدت ملی و اجتماعی کشور؛ ث) شناساندن فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه اسلامی ایران، به منظور حفظ و ترویج آنها و دفع سنن و رسوم منحط و خرافی؛ و ج) شناساندن تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و کشورهای دیگر. (۲۰)

۵) اهداف اجتماعی

الف) پرورش روحیه پاسداری از قداست و استواری بنیان و روابط خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی؛ ب) پرورش روحیه تحقق بخشیدن به قسط و عدالت اجتماعی و اقتصادی اسلام و پاسداری از آن؛ پ) پرورش روحیه اخوت ایمانی و تعاون اسلامی و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت و تحکیم آن؛

ت) پرورش روحیه خیر خواهی و دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه ای همگانی و متقابل؛ ث) پرورش روحیه احترام به قانون و التزام به رعایت آن و حمایت از برخورداری عموم از حقوق قانونی؛ ج) پرورش روحیه نظم در روابط گروهی؛ پرورش روحیه مسؤلیت پذیری و اهتمام به امور اجتماعی و مشارکت در فعالیتهای دینی، فرهنگی و اجتماعی؛ چ) ایجاد روحیه رعایت بهداشت عمومی و حفظ محیط زیست؛ ح) ایجاد روحیه تولی و تبری بر اساس تعالیم اسلامی؛ خ) ایجاد روحیه محبت و حمایت از حق طلبان، عدالت خواهان و مظلومان و مستضعفان جهان و انزجار از مستکبران، استثمارگران و ستمکاران بر اساس ارزشهای اسلامی؛ د) تقویت روحیه گذشت، فداکاری و ایثار در روابط جمعی و مقدم شمردن مصالح اجتماعی بر منافع فردی؛ ذ) ایجاد روحیه نقادی و انتقادپذیری، سعه صدر و تحمل آرای دیگران در برخورد اندیشه‌ها؛ ر) پرورش روحیه احترام به شخصیت افراد و مراعات کامل حقوق مادی و معنوی آنان و رعایت آداب معاشرت در روابط اجتماعی؛ ز) پرورش روحیه مقاومت در برابر تبلیغات سوء از طریق دادن آگاهی درست و تامین رشد و استقلال فکری. (۲۱)

۶) اهداف سیاسی و نظامی

الف) تربیت روحیه پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان و آشنایی با روشها و شیوه‌های اعمال این حاکمیت در جامعه، بر اساس اصل ولایت فقیه؛ ب) ایجاد روحیه اعتقاد به ائتلاف و اتحاد و تلاش در جهت تحقق الفت و وحدت فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی مسلمین و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان؛ پ) شناساندن و تعلیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد روحیه پاسداری از استقلال همه جانبه کشور و نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ ت) آموزش فنون دفاع غیر نظامی و نظامی و ورزشهای رزمی و پرورش سلحشوری، به منظور حفظ کیان اسلام و تقویت بنیه دفاعی کشور؛ ث) تعلم و تعلیم مفهوم سیاست از دیدگاه اسلام و ارتقای بینش و بیداری سیاسی نسبت به اوضاع سیاسی ایران، جهان و به خصوص جوامع اسلامی، ملل محروم و شرکت فعال در سرنوشت سیاسی کشور؛ ج) شناخت و شناساندن استعمار و استکبار جهانی و ضرورت مبارزه با آن و شناخت علل و وجوه استضعاف ملل محروم، به خصوص جوامع اسلامی و راههای رهایی از آن. (۲۲)

۷) اهداف اقتصادی

الف) توجه به اهمیت رشد اقتصادی، به عنوان وسیله ای برای رسیدن به رشد و تکامل معنوی انسان؛
ب) شناخت و شناساندن ارزش و قداست کار و معاش حلال و پرورش روحیه مبارزه با بیکارگی، بطالت و
مشاغل کاذب؛ پ) ایجاد آمادگی و توانایی به تناسب سن، جنس، استعداد و علاقه در جهت اشتغال مولد
در بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات؛ ت) ایجاد روحیه ساده زیستی، صرفه جویی، قناعت و پرهیز از
اسراف و تبذیر و مصرف زدگی و تجمل گرایی؛ ث) پرورش روحیه ایثار، انفاق و تاسیس مؤسسات عام
المنفعه و کمک به آنها؛ ج) شناخت و شناساندن احکام اقتصادی اسلام و پرورش روحیه عمل به آنها؛ چ)
تربیت افراد متعهد و آگاه و ماهر بر اساس نیازهای کمی و کیفی بخشهای مختلف اقتصادی، با توجه به
استعدادها و شرایط اقلیمی هر منطقه در جهت پیشرفت همه جانبه کشور؛ ح) شناساندن حرف و مشاغل
مولد و احیا و ترویج صنایع دستی و مستظرفه بومی و سنتی، جهت افزایش درآمد ملی و رفع بیکاری و
وابستگی اقتصادی؛ خ) پرورش روحیه مبارزه با بهره کشی اقتصادی و شیوه های کسب درآمد نامشروع
و مشاغل خلاف مصالح جامعه اسلامی؛ و د) شناخت منابع اقتصادی کشور و شیوه های صحیح استفاده
از آنها و پرورش روحیه حراست از اموال عمومی و ثروت ملی. (۲۳)

۸) اهداف زیستی

الف) تامین سلامت جسمی و روانی از طریق فراهم ساختن لوازم، شرایط و محیط مناسب برای تربیت
بدنی، ورزش و تفریحات سالم؛ ب) آموزش و مراعات بهداشت فردی و جمعی؛ و پ) پرورش روحیه
توجه به ورزش و بهداشت جسمی و روانی به عنوان زمینه ای برای رشد معنوی انسان. (۲۴)
بعد از تصویب کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی
در سال ۱۳۶۹، تغییر نظام آموزش متوسطه را تصویب نمود که مهمترین سیاستها و اهداف آن، فراهم
آوردن شرایط و امکانات کافی برای ارتقای کیفیت آموزشهای متوسطه (نظری و فنی حرفه ای) و توسعه
ملی این آموزشها و تناسب نیازهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور با توجه به مقتضیات جغرافیایی
مناطق و رعایت تناسبی بین محتوای آموزشی و نیازها و مقتضیات جنسی و سنی دانش آموزان با رعایت
اصول زیر می‌باشد:

۱- ایجاد انعطاف لازم به منظور سمت‌گیری آموزش‌های متوسطه در جهت اشتغال مفید و ادامه تحصیل

◇ بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر —————

در آموزش عالی و تعیین رشته‌های تحصیلی بر حسب نیازهای کشور و علاقه و استعداد افراد بر طبق شرایط و امکانات محیط با توجه به پیشرفت‌های عملی و فنی.

۲- افزایش کمیت و بالا بردن سطح کیفیت و میزان منزلت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای .

۳- فراهم آوردن زمینه و شرایط مناسب برای استفاده بهینه از امکانات جامعه به منظور اجرای آموزش‌های متوسطه و سازماندهی آموزش‌های خارج از مدرسه و تقویت و گسترش این آموزش‌ها با استفاده از امکانات و دستگاه‌های مختلف کشور. (۲۵)

همچنین در سومین اجلاس برنامه آموزش و پرورش برای همه در منطقه آسیا و اقیانوسیه فهرست سیاست‌های تعیین شده جهت آموزش و پرورش کشورهای عضو عبارت است از:

۱- ایجاد برنامه و مکاتبه ملی برای تحقق منشور آموزش و پرورش برای همه؛ ۲- تعیین طرح‌های آموزش و پرورش برای همه در عمل؛ ۳- ایجاد فضای حمایت کننده در طرح‌ها؛ ۴- ارتقای کیفی آموزش و پرورش پایه؛ ۵- بهبود قابلیت‌های مدیریتی و نظام منجر به تحلیل آن در امر آموزش برای همه؛ ۶- فراهم کردن زمینه‌های همکاری بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی؛ ۷- ایجاد پایگاه اطلاعات و نظام اطلاع رسانی؛ ۸- همکاری ملی و منطقه‌ای در خصوص آموزش و پرورش برای همه. (۲۶)

چ. سیاست‌های آموزش و پرورش طی برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۳۷۸-۱۳۷۴)

سیاست‌های بخش آموزش و پرورش در جهت تحقق هدف توسعه مراکز آموزشی توسط بخش غیر دولتی بگونه‌ای طراحی شده است که در پایان برنامه دوم هدف واگذاری حداقل ۲۰ درصد از کل دانش آموزان به مراکز آموزشی غیر دولتی تحقق یابد.

۱) اصلاح نظام آموزش و پرورش

الف) تجدید نظر در استانداردهای مورد نظر از نقطه نظر مطالب درسی هر مقطع تحصیلی توسط وزارت آموزش و پرورش به عمل آید؛ ب) امکان تحصیل در مراکز آموزشی دولتی، غیر دولتی، مراکز آموزش حضوری، نیمه حضوری و غیر حضوری، برای فرد دانش آموز با توجه به مقررات و ضوابط یکسان حاکم

بر تعیین صلاحیت دانش آموز برای ارتقاء به سطوح بالاتر از طریق انجام امتحانات متفرقه بر اساس استانداردهای آموزشی تعیین شده برای کلیه مقاطع تحصیلی؛ پ) بمنظور اجرای سیاست عدم تمرکز و اداره واحدهای آموزشی و نظارت بر عملکرد مالی آنها شورای مناطق آموزشی در سطح شهرستانها تشکیل خواهد گردید. در جهت واگذاری این امر در تشکیلات وزارت آموزش و پرورش و ادارات کل استان‌ها و سایر واحدها بازنگری اساسی صورت خواهد گرفت؛ ت) تسهیل در امر ایجاد مدارس غیر دولتی از طریق واگذاری زمین، اعطای تسهیلات اعتباری با پرداخت بخشی از سود تسهیلات از محل بودجه عموم، فروش ساختمان‌های نیمه تمام آموزشی (با توجه به آزادی عمل این گونه مدارس در تعیین شهریه)؛ و ث) واگذاری ایجاد فضاهای آموزشی به شهرداری‌ها با استفاده از مکانیزم وصول عوارض خاص بر مبنای ارزش مستغلات واقع در محدوده شهرداری‌ها.

۲) تشویق به سواد آموزی

الف) دولت و مؤسسات دولتی به هیچ وجه افراد بیسواد را به کار نگمارند؛ ب) از ارائه خدماتی نظیر گواهینامه رانندگی و تمدید آن، برگ پایان خدمت و... به افراد بیسواد زیر ۴۰ سال خودداری شود؛ و پ) اولویت تخصیص اعتبارات بودجه عمومی مربوط به آموزش و پرورش به مناطق محروم و روستاها.

۳) تعديلات نظام آموزش و پرورش

الف) تخصیص بودجه عمومی دولت بر اساس هزینه سرانه مقاطع تحصیلی متناسب با توان مالی دولت صورت میگیرد. همچنین واحدهای آموزشی مجاز خواهند بود که هزینه های آموزشی خدمات ارائه شده بیش از خدمات مشخص شده در هزینه سرانه دانش آموزان اخذ نمایند؛ ب) بازنگری در محتوای کتب درسی، حذف مواد درسی غیر ضروری در جهت کاهش تعداد مواد درسی و افزایش کیفیت آموزشی دروس اساسی؛ پ) تعدیل سازمان و تشکیلات مدارس در جهت کاهش پستهای اداری و پشتیبانی؛ ت) افزایش متوسط تراکم دانش آموز در کلاس از طریق افزایش تراکم کلاس‌هایی که از تراکم پائینی برخوردار هستند؛ ث) افزایش میزان بهره وری نیروی انسانی آموزشی در جهت استفاده بهتر از منابع بودجه عمومی دولت؛ و ج) ایجاد تسهیلات لازم به منظور جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی و سازمانها و شرکتهای دولتی و غیر دولتی در آموزشهای فنی و حرفه ای مرتبط با نظام آموزش متوسطه و قائل شدن ارزش تحصیلی برای آموخته های خارج از مدرسه بر طبق آزمونهای مهارت.

ح. سیاست‌های آموزش و پرورش در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی ایران (۸۲-۱۳۷۶)

مهم‌ترین سیاست‌های استراتژیک آموزش و پرورش در برنامه سوم توسعه دولت در دو بخش آموزش و پرورش عمومی، فنی و حرفه‌ای به ترتیب به شرح زیر ارائه شده است:

الف) ایجاد زمینه‌های لازم برای برخورداری از فرصت‌های برابر آموزشی و پرورشی و تعلیم آموزش عمومی به کلیه افراد لازم‌التعلیم؛ ب) ارتقای کیفیت آموزش و پرورش در زمینه کسب علم، کاربرد علوم و فنون و پرورش اخلاقی و اعتقادی دانش‌آموزان؛ پ) ساماندهی و تغییر ساختار نیروی انسانی در راستای ارتقاء کیفیت نیروی انسانی و افزایش کارایی آنان؛ ت) افزایش مشارکت مردم و تقویت بخش خصوصی در فعالیتهای آموزش و پرورش؛ ث) بهبود مدیریت منابع و استفاده کارآمد از ظرفیتهای و امکانات در فعالیتهای آموزش و پرورش؛ ج) تنوع بخشی و تجهیز منابع مالی برای بخش آموزش و پرورش؛ چ) اصلاح ساختار سازمانی و تشکیلاتی در بخش آموزش و پرورش در راستای کاهش تمرکز و افزایش اختیارات مدیران در سطوح مختلف. (۲۷)

- سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای

الف) اشاعه دانش فنی و حرفه‌ای در سطح جامعه با تاکید بر ارتقای مهارت‌های فرهنگ کار و ایجاد انگیزه‌های لازم به منظور افزایش تقاضا، شکوفایی، جلب و هدایت استعدادهای کشور به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ ب) بهبود کیفیت و ارتقای کارایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ پ) ایجاد و تعادل در ساختار آموزشی، فرصت‌ها، امکانات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای اصلاح هرم شغلی جمعیت فعال کشور (از نظر مهارت و تخصص)، دسترسی گروه‌های مختلف جامعه به اینگونه آموزش‌ها و انطباق آن با مهارت‌های بازار کار و ویژگی‌های مناطق مختلف کشور؛ ت) بهبود مدیریت منابع و استفاده کارآمد از ظرفیتهای موجود در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ ث) انعطاف‌پذیری، پویایی و ایجاد تنوع در برنامه‌ها، شیوه‌ها و نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با توجه به پیشرفت فناوری، الگوی توسعه کشور و نیاز بازار کار. بعد از بررسی مهم‌ترین سیاست‌های آموزش و پرورش در هشت برنامه عمران و توسعه کشور، در ۵۰ سال اخیر اکنون به تحلیل روند این سیاست‌گذارها و برنامه‌ریزها در آموزش و پرورش

خ. مراحل سه گانه تحولات نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش

دوران حیات ۵۰ ساله برنامه ریزی توسعه را در ایران می توان به سه مرحله مشخص زیر تقسیم

نمود

(۱) مرحله اول، مرحله تمرکز مسؤلیت‌ها

این مرحله از شروع تهیه برنامه اول هفت ساله عمرانی در سال ۱۳۲۷ آغاز شده و تا پایان برنامه پنجساله چهارم عمران (۱۳۵۱) ادامه می یابد. مشخصه اصلی این مرحله، تمرکز نسبی کلیه امور برنامه، اعم از طراحی، تلفیق، تصویب و اجرا برنامه در یک نهاد است که کم و بیش مستقل از دولت عمل می کرد.

(۲) مرحله دوم، مرحله تفکیک مسؤلیت‌ها

این مرحله شامل برنامه ۵ ساله پنجم و ششم عمرانی کشور می گردد. در این مرحله تشکیلات اجرایی دولت به تدریج در تهیه، بررسی، تلفیق و اجرای برنامه ها و سیاست‌گذارها، نقش مهمتری بر عهده می گیرد و قوه مقننه در تصویب برنامه های کلان فعالتر برخورد می کند این مرحله از سالهای ۱۳۵۲ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می گردد.

(۳) مرحله سوم، مرحله زمینه سازی برای مشارکت

این مرحله تجارب دوران استقرار جمهوری اسلامی ایران را از سال ۱۳۵۸ به بعد را در بر می گیرد. در این دوره بتدریج در نظام برنامه ریزی، نقش مراجع سیاست‌گذاری و اعمال نظرات مردم توسط نمایندگان آنان در مجلس شورای اسلامی، نقش نهادهای اجرایی و طراح برنامه، به صورت بارزتری مشخص می شود. (۲۸)

د. تحلیل مراحل سه گانه تحولات نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و

پرورش

(۱) تحلیل وضع نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش در مرحله اول

به طور کلی نظام برنامه ریزی توسعه آموزش شامل مراحل، طراحی برنامه، تلفیق برنامه، اجرای

برنامه و نظارت بر اجرای برنامه می‌باشد. از مجموع آنچه در زمینه تحولات ۵ عنصر اصلی نظام برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش در این مرحله بر می‌آید، معلوم می‌شود که بارزترین خصوصیت نظام برنامه ریزی آموزش و پرورش در این مرحله، تمرکز تمامی عناصر نظام در یک نهاد بوده است، بدین ترتیب که مشاهده می‌شود در این مرحله، عملیات مربوط به نظام برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش عمدتاً در خارج و مستقل از نهادهای مسؤول آموزش و پرورش، یعنی توسط سازمان برنامه و مراجع هدایت کننده آن صورت می‌گرفته است. هر چه از برنامه اول عمرانی به سمت برنامه چهارم که پایان آن مقارن خاتمه این مرحله است، نزدیک می‌شویم، از غلظت این تمرکز و استقلال عمل سازمان برنامه کاسته می‌شود. به طوری که حداقل در زمینه‌های طراحی فنی برنامه و تا حدودی اجرای آن، توان کارشناسی و سازمانی نسبتاً قابل توجهی در داخل تشکیلات آموزش و پرورش کشور به وجود آمده است. اما در تمامی دوره امور مربوط به زمینه‌های تلفیق برنامه و نظارت بر اجرای آن به طور کامل بر عهده سازمان برنامه بوده است. از لحاظ تشکیلات منطقه ای برنامه ریزی، به رغم تأکیده‌های مستمری که در کلیه برنامه‌های عمرانی چهارگانه، بر توجه به این مهم به عمل آمده است، فقط در پایان دوره، اولین گام‌های عملی در تشکیل شوراهای منطقه ای، که یکی از وظایف اصلی آن تصویب برنامه‌های سالانه توسعه و نظارت بر اجرای آنها بوده، برداشته شده است. ولی در مقابل با حذف کمک شهرداریها به امر ایجاد فضای آموزشی و تعطیلی کمیسیون مربوطه، نهال نوعی عدم تمرکز و مشارکت جوامع محلی در تامین منابع مالی و نظارت بر خرج آن برکنده شد. (۲۹)

۲) تحلیل وضع نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی آموزش و پرورش در مرحله دوم

درست در جهت مخالف خصوصیت مرحله اول که تمرکز نسبی تمامی عناصر در یک نهاد بود، خصوصیت این مرحله واگذاری اختیارات به نهادها و مراجع متعدد بود. انتزاع آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش که در سالهای پایانی مرحله اول به اجرا گذاشته شده بود، در این مرحله با وسعت یافتن استقلال عمل دانشگاهها و ایجاد سازمانهای آموزشی مستقل از وزارت آموزش و پرورش یا وزارت علوم و آموزش عالی، همانند سازمان آموزش کشاورزی، صندوق کار آموزی، مؤسسات آموزش غیر دولتی، بر تعدد دستگاههای متصدی امر آموزش، به نحو چشمگیری افزود و به موازات آن بر تعدد مراجع هماهنگ کننده و سیاستگذار نیز افزوده شد. با سلب وظایف اجرایی برنامه از سازمان برنامه و

بودجه، تشکیلات و سازماندهی خاصی برای طرح ریزی و اجرای برنامه در اغلب دستگاههای عمده آموزش به وجود آمد، اما در وزارت آموزش و پرورش، تشکیلات برنامه ریزی آن وسعت سازمانی اواخر دوره گذشته را از دست داد و مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، در این مرحله عملاً عهده دار تهیه برنامه های توسعه آموزش و پرورش از کودکان تا مدارج عالی دانشگاهی گردید. در زمینه برنامه ریزی منطقه ای آموزش و پرورش، چندان بهبود و تغییری در این دوره حاصل نشد اما اجرای منطقه ای برنامه در اواخر این مرحله پایه گذاری شد. بدین ترتیب روند کاهش تمرکز و امور مربوط به نظام برنامه ریزی در یک نهاد که در اواخر مرحله قبل آغاز شده بود، در این مرحله شدت بیشتری یافت و به ایجاد فضاهای آموزشی، تلفیق و هماهنگی در امور آموزش و حتی نظارت بر امور آموزشی انجامید. (۳۰)

۳) تحلیل وضع نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش در مرحله سوم
در این قسمت، بررسی سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش به تفکیک مراحل آن مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

الف) طراحی برنامه: تشکیلات برنامه ریزی در قلمرو آموزشهای عمومی، فنی و حرفه ای و عالی در این دوره عمدتاً جنبه موقتی داشته، به اقتضای وضعیت روز و بر اثر فشار وارده از طرف سازمان برنامه و بودجه و هیات دولت به امر برنامه ریزی پرداخته اند و فاقد تشکیلات و سازماندهی مناسب برای تداوم امر برنامه ریزی بوده اند، از این لحاظ باید اذعان کرد که توان سازماندهی و کارشناسی برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش نه تنها در دو دهه اخیر تقویت نشده است بلکه به طور چشم گیری تحلیل رفته است؛ ب) تلفیق برنامه: در زمینه تلفیق برنامه ها هر چند که مطابق روال گذشته نقش اساسی را سازمان برنامه و بودجه با برخورداری از قدرت سیاسی شورای اقتصاد بر عهده داشت، اما معضل تلفیق برنامه های بخشهای آموزشی با دیگر بخشهای فعالیت اقتصادی اجتماعی، خاصه در زمینه های نیروی انسانی و نیازهای تحقیقات وجود داشته است؛ پ) تصویب برنامه: یکی از بارزترین تفاوت‌های مرحله سوم برنامه ریزی توسعه با مراحل اول و دوم، برخورد فعال نهاد قانونگذاری با برنامه های توسعه بوده است؛ ت) اجرای برنامه: اجرای برنامه به لحاظ فعالیتهای جاری چون در قالب بودجه های سالانه صورت میپذیرد، به عهده وزارتخانه ها و سازمانهای آموزشی واگذار شده است و در واقع متصدی خاصی ندارد. این نقص

◇ بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر —————

در سطح آموزش و پرورش، نقص بنیادی و ساختاری است که موجب می‌شود برنامه به لحاظ فعالیت‌های جاری آموزشی بدون هدایت برنامه جریان یابد و بیشتر از تمایل فردی مسؤولان و تفاهم آنها با سازمان مدیریت و برنامه ریزی نشأت می‌گیرد؛ ث) نظارت بر برنامه: سازمان برنامه و بودجه موظف است هر ۶ ماه یکبار گزارش عملیات اجرای برنامه را تهیه و به مجلس و هیات دولت ارائه نماید، ضمن اینکه اینکار تا کنون به صورت نظامند و مستمر صورت نگرفته است، کمیسیونهای آموزش و پرورش و آموزش عالی و برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی هم فعالیت مستقل برای نظارت بر چگونگی اجرای برنامه‌ها نداشته‌اند. بنابراین جای نهادهای مستقل برای نظارت و ارزیابی در بخشهای آموزش خالی است، نهادهایی که با جمع‌آوری صحیح و به موقع اطلاعات و با بکارگیری شیوه‌های قابل اعتماد علمی، چگونگی تحقق هدفها و سیاست‌های برنامه را مورد ارزیابی قرار داده و راههای جبران عقب ماندگی و انحراف را نشان دهند. (۳۱)

ذ. آسیب شناسی نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در آموزش و پرورش و توجه‌های راهبردی

سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش مهمترین آسیب‌ها و توصیه‌های راهبردی در مورد سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در آموزش و پرورش را به شرح زیر بیان نموده است. (۳۲)

۱) آسیب شناسی

اهم آسیب‌ها و عوامل بازدارنده در فرآیند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش به شرح زیر می‌باشد:

الف) ضعف پشتوانه کارشناسی و تخصصی برنامه‌ها و ایده‌های پیشنهادی، کاهش توان کارشناسی تخصصی در آموزش و پرورش به دلیل تداوم تفوق گرایش‌های سیاسی-مدیریتی بر نظرات کارشناسی در وزارت آموزش و پرورش؛ ب) ضعف پشتوانه کارشناسی برنامه‌ها و تصمیمات و کاهش سطح پذیرش برنامه‌ها و تصمیم‌ها در میان نخبگان کشور به دلیل استمرار ناتوانی نظام‌های تصمیم‌گیری کلان (برنامه ریزی، بودجه بندی، تدوین مقررات و...) در به کارگیری تمامی ظرفیت کارشناسی آموزش و پرورش؛ پ) ناسازگاری بین برنامه‌ها و خط‌مشی‌های وزارت آموزش و پرورش، عدم تخصیص بهینه

منابع در داخل وزارت آموزش و پرورش، برخورد انفعالی و سلیقه‌ای با مسائل آموزش و پرورش در پی تغییر مسئولان، ناشی از نبود استراتژی و برنامه مدون برای وزارت آموزش و پرورش؛ ت) درگیر شدن مدیران و کارشناسان در امور تکراری و جزئی و کاهش سطح خلاقیت و نوآوری در مدیران و کارشناسان به دلیل تفوق نسبی فضای روزمرگی بر وزارت آموزش و پرورش؛ ث) کاهش توان کارشناسی وزارت آموزش و پرورش و عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های علمی کشور به دلیل ضعف در ارتباط نظام مند تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران با مؤسسات پژوهشی و علمی؛ ج) کاهش احتمال تحقق اهداف برنامه به علت عدم انطباق برنامه‌ها با واقعیت‌های محیطی و قطع ارتباط میان برنامه‌ها و بودجه سالانه به علت نبود نظام ارزیابی مستمر از برنامه‌ها و استفاده از نتایج آن برای اصلاح برنامه‌ها؛ چ) فراهم نشدن اطلاعات صحیح، به موقع و دقیق برای کارشناسان و کاهش امکان نظارت مؤثر بر عملکرد، ارائه اطلاعات متناقض و چندگانه از طرف بخش‌های مختلف به علت ضعف در نظام اطلاعات و آمار وزارت آموزش و پرورش؛ ح) محدود شدن مشارکت معاونت‌ها و ادارات در امور برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی و افزایش احتمال برنامه‌ها و طرح‌های ناسازگار با منافع فرابخشی و ملی به علت تداوم تفوق بخشی‌نگری در معاونت‌ها و واحدها؛ خ) بی‌اثر شدن نسبی فرآیند برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی و تدوین مقررات اداری به دلیل تداوم قانون‌گریزی و عدم التزام به برنامه‌ها و مقررات مصوب؛ د) اختلال در تحقق اهداف و ماموریت‌ها و بی‌اثر شدن فرآیند برنامه‌ریزی به دلیل نبود تفاهم و هماهنگی بین سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران آموزش و پرورش؛ ذ) اختلال در تحقق اهداف و ماموریت‌ها و بی‌اثر شدن فرآیند برنامه‌ریزی به دلیل اتخاذ تصمیم‌های موازی، متغیر یا ناسازگار با برنامه‌ها و قوانین در آموزش و پرورش؛ ر) اختلال در تحقق اهداف و ماموریت‌های وزارت آموزش و پرورش به دلیل عدم هماهنگی میان تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران موجود، مقاومت و گرایش محافظه‌کارانه در میان برخی از تصمیم‌گیران اصلی وزارت آموزش و پرورش در قبال سیاست‌های اصلاحی.

۲) توصیه‌های راهبردی

الف) ارتقای نقش کارشناسان در تصمیم‌سازی از طریق توسعه فعالیت‌های پژوهشی و اصلاح نظام‌های تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی در راستای استفاده از یافته‌های پژوهشی و نظرات کارشناسی؛ ب) ارتقاء سطح مشارکت جوئی در وزارت آموزش و پرورش از طریق افزایش تعامل با

دستگاه‌های ذریبط و گروه‌های علاقمند، اصلاح نظام‌های تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی در جهت استفاده بیشتر از نظرات کارشناسان و اصلاح و توسعه نظام تبادل اطلاعات عمومی در مورد طرح‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش با مجلس، مردم، و نهادها، مراجع تصمیم‌گیری کشور، نهادهای مدنی و...؛ پ) تدوین برنامه استراتژیک وزارت آموزش و پرورش و طراحی و استقرار نظام برنامه‌ریزی استراتژیک؛ ت) طراحی و استقرار نظام برنامه‌ریزی استراتژیک و ارتقاء نقش کارشناسان در تصمیم‌سازی، ایجاد زمینه برای نوآوری و انتخاب؛ ث) افزایش تعامل با مؤسسات پژوهشی و اصلاح دستورالعمل‌ها و روش‌های انجام کار به منظور استفاده از یافته‌های پژوهشی؛ ج) طراحی و استقرار نظام ارزشیابی از طرح‌ها و برنامه‌ها؛ چ) ایجاد زمینه رشد و تقویت نظام آماری یکپارچه آموزش و پرورش؛ ح) ایجاد زمینه برای افزایش تعامل میان معاونت‌ها و واحدهای مختلف در آموزش و پرورش؛ خ) تقویت فرآیند نظارت بر تحقق برنامه‌ها و افزایش تعامل میان معاونت‌ها و واحدهای مختلف در آموزش و پرورش؛ د) افزایش تعامل میان معاونت‌ها و سایر تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران و طراحی و استقرار نظام مدیریت استراتژیک و انتخاب تصمیم‌گیران اصلی بر اساس معیار تعهد به برنامه‌ها و سیاست‌ها؛ ذ) طراحی و استقرار نظام برنامه‌ریزی استراتژیک و افزایش تعامل میان معاونت‌ها و واحدهای مختلف؛ ر) اعمال تغییر در ترکیب تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران اصلی وزارت آموزش و پرورش در راستای ایجاد هماهنگی بیشتر، وحدت دیدگاهی و نظری نسبت به تحولات اساسی، رویکردهای نوین در آموزش و پرورش و برنامه‌های اصلاحی.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

همان طوری که بررسی شد، دوران حیات ۵۰ سال گذشته، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش ایران را می‌توان به سه مرحله تقسیم نمود:

مرحله اول: که مرحله تمرکز مسؤولیتها نامیده شد (برنامه اول تا پایان برنامه چهارم عمرانی) مشخصه اصلی این مرحله تمرکز نسبی کلیه امور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در یک نهاد (سازمان برنامه) که کم و بیش مستقل از دولت عمل می‌کرد.

مرحله دوم: که مرحله تفکیک مسؤولیتها نامیده شد (برنامه ۵ ساله پنجم و ششم عمرانی) در این مرحله

تشکیلات اجزائی دولت بتدریج در تهیه، بررسی، تلفیق و اجرای سیاست‌گذاریها و برنامه‌ها نقش مهمتری به عهده می‌گیرد و قوه مقننه در تصویب برنامه‌های کلان فعالتر برخورد می‌کند. مرحله سوم: مرحله زمینه سازی برای مشارکت: این مرحله تجارب دوران استقرار جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۸ به بعد را در بر می‌گیرد، در این دوره بتدریج در نظام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی، نقش مراجع سیاست‌گذاری و اعمال نظرات مردم توسط نمایندگان آنان در مجلس شورای اسلامی، نقش نهادهای اجرایی و طرح برنامه به صورت بارزتری مشخص می‌شود. به طور کلی از تجربه‌هایی که گذشت درسهایی را می‌توان به شرح زیر آموخت:

۱- در نظام اداری و اجرایی بخش آموزش، وظیفه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی، توسعه عملا یک وظیفه مقطعی تلقی شده و هنوز نهادی نشده است.

۲- سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش یک وظیفه صد در صد دولتی که در قلمرو خاص وظایف مدیران و کارشناسان برگزیده و دستگاههای اجرایی قرار می‌گیرد، قلمداد می‌شود و مشارکت در وجوه مختلف آن از تدوین و طراحی تا اجرا و نظارت بر اجرا تماما توسط دولت صورت می‌گیرد.

۳- مبتنی نبودن تصمیم‌گیریها و برنامه ریزیها بر نتایج بررسیها و تحقیقات.

۴- نارسایی و کمبود آمار و اطلاعات مناسب برای سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در آموزش و پرورش

۵- کم توجهی به تربیت نیروی انسانی متخصص در امر سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در دستگاههای اجرایی کشور.

۶- کم توانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در تلفیق برنامه‌ها و نظارت در اجرای آنها در دستگاههای اجرایی؛ و بالاخره در راستای کاهش مشکلات و نارسایی‌های فوق موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- تشکیل و تقویت شوراهای آموزش و پرورش و تفویض اختیارات متناسب با وظایف آنها و مشارکت دادن شوراها در امر سیاست‌گذاری و برنامه ریزی آموزش و پرورش.

۲- تلاش جدی در راستای نهادینه کردن فرهنگ مشارکت و سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش.

۳- همکاری نزدیک آموزش و پرورش با دانشگاهها و مراکز پژوهشی در راستای انجام مطالعات و

◇ بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر —————

- تحقیقات بنیادی در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش.
- ۴- بهره‌گیری از فناوری ارتباطات و اطلاعات در راستای توسعه آموزش و پرورش در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی.
- ۵- تربیت نیروی انسانی متخصص در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی آموزش و پرورش.
- ۶- برنامه ریزی در راستای استفاده بهینه از منابع انسانی و مالی موجود آموزش و پرورش.
- ۷- قانونمند نمودن نظام سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش و جلوگیری از اعمال سلیقه گروهی و شخصی در آموزش و پرورش.
- ۸- هماهنگ و همخوانی نمودن سیاست‌های آموزش و پرورش با سیاست‌های برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور.
- ۹- ایجاد هماهنگی لازم بین اجزاء و عناصر نظام سیاست‌گذاری (طراحی، تلفیق، اجرا، ارزشیابی).
- ۱۰- ایجاد سیستم ارزیابی عملکرد دستگاهها و افراد بر اساس اهداف سیاستها و برنامه‌های تدوین شده و ارائه بازخورد مناسب به نظام سیاست‌گذاری.
- ۱۱- تدوین برنامه‌هایی در راستای ضمانت اجرایی سیاست‌گذاری و پیگیری اجرایی سیاست‌های آموزشی تدوین شده به عبارت دیگر ایجاد تشکیلاتی در دستگاه‌های اجرایی به منظور پیگیری اجرایی برنامه‌ها و سیاست‌ها.
- ۱۲- تقویت روحیه آینده‌نگری و آینده‌پژوهی در سیاست‌گذاران آموزش و پرورش.
- ۱۳- ایجاد هماهنگی بیشتر بین سیاست‌های معاونت‌ها در سطح وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۴- تهیه و تدوین برنامه‌های استراتژیک آموزش و پرورش با توجه به برنامه‌های توسعه دولت.
- ۱۵- تاکید بر شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران سطوح مختلف به عنوان سیاست‌گذاران آموزش و پرورش. (۳۳)

منابع

- ۱- رابرت وی. کارلسون و گری آلرمن، *برنامه‌ریزی آموزشی*، ترجمه غلامعلی سرمد، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، (۱۳۷۴)، ص ۳۶.
- ۲- همان، صص ۴۳-۴۴.
- ۳- بخش همیاری فنی برای توسعه سازمان ملل، *رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی توسعه*، ترجمه محمد هومن، تهران: ملل متحد، (۱۳۶۸)، ص ۷۸.
- ۴- سیاوش گلایی، *پژوهشی در برنامه‌ریزی آموزشی* (تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۰)، ص ۱۰۷.
- ۵- عبدالحسین نفیسی، «بازنگری تجربه برنامه‌ریزی آموزشی توسعه آموزش و پرورش در ایران»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره‌های ۲۳ و ۲۲، ۱۳۶۹، صص ۴۶-۴۵.
- ۶- علی علاقه‌بند، *مقدمات مدیریت آموزشی* (تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۰)، صص ۶۶-۶۵.
- ۷- همان، ص ۶۶.
- ۸- همان، ص ۶۷.
- ۹- احمد صافی، *سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹)، ص ۴۵.
- ۱۰- گلایی، پیشین، ص ۱۱۳.
- ۱۱- بهرام محسن پور، *برنامه‌ریزی آموزشی* (تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۷)، ص ۷۱.
- ۱۲- صافی، پیشین، صص ۵۳-۵۲.
- ۱۳- وزارت علوم و آموزش عالی، *سنجش عملکرد آموزش و پرورش در برنامه چهارم و پنجم عمران* (تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی عملی و آموز، ۱۳۵۵)، صص ۳۱-۳۰.
- ۱۴- سازمان برنامه و بودجه، *برنامه چهارم عمرانی کشور (۱۳۵۱-۱۳۴۷)* (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۴۶)، صص ۷۳-۷۱.
- ۱۵- یحیی فیوضات، *برنامه‌ریزی آموزشی* (تهران: انتشارات نشر ویرایش، ۱۳۸۰)، ص ۵۷.
- ۱۶- همان، ص ۵۹.
- ۱۷- شورای عالی وزارت آموزش و پرورش، *کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*

- (تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸)، ص ۴۳.
- ۱۸- همان، صص ۴۴-۴۵.
- ۱۹- همان، ص ۴۶.
- ۲۰- همان، صص ۴۷-۴۸.
- ۲۱- همان، ص ۴۹.
- ۲۲- همان، صص ۵۰-۵۱.
- ۲۳- همان، صص ۵۱-۵۳.
- ۲۴- همان، ص ۵۴.
- ۲۵- وزارت آموزش و پرورش، *کلیات نظام جدید آموزش متوسطه* (تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۲)، ص ۲۹.
- ۲۶- نادر علی قورچیان، «تحلیلی بر سومین اجلاس برنامه آموزش و پرورش برای همه در منطقه آسیا و اقیانوسیه»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۳۲، ۱۳۷۱، صص ۱۳۳-۱۳۲.
- ۲۷- سازمان برنامه و بودجه، *مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶)، صص ۴۸-۴۹.
- ۲۸- عبدالحسین نفیسی، «بازنگری تجربه برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران قبل از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۲۸، ۱۳۷۱، صص ۱۲۱-۱۱۹.
- ۲۹- همان، ص ۱۲۳.
- ۳۰- همان، صص ۱۲۵-۱۲۶.
- ۳۱- همان، ص ۱۲۹.
- ۳۲- پژوهشکده تعلیم و تربیت، *سند منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش* (تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۱)، ص ۷۶.
- ۳۳- عبدالحسین نفیسی، «بازنگری تجربه برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۴۰ و ۴۱، ۱۳۷۴، صص ۸۵-۸۶.